



طرح‌های ساخت آزادراه‌ها، بزرگراه‌ها و راه آهن در کشور اولویت بندی مجدد شده است.

همه دست اندرکاران طرح‌های نفت و گاز درباره شرایط و فرآیند عقد قرارداد‌های این حوزه اشکالات جدی مطرح می‌کردند. بازه در نظر گرفته شده برای این طرح‌ها در ایران نسبت به کشورهای همسایه پایین‌تر بود و هزینه‌های اجرا بالاتر. فرآیندهای عقد قرارداد نیز بیش از ۳ سال طول می‌کشید. شورای اقتصاد با یک کار هشت ماهه که از دولت قبل آغاز شده بود، شرایط و فرآیند قراردادها را اصلاح ساختاری کرد و اولین قرارداد در حوزه بهره‌برداری از میدان گازی پازن و گردان به‌زودی بر مبنای شرایط جدید با یک هلدینگ بخش خصوصی منعقد خواهد شد. طرح‌هایی مانند افزایش ظرفیت تولید ۲۵۰ هزار بشکه نفت خام در روز که ظرف چند سال گذشته مطرح بوده است، به سرعت به مرحله عقد قرارداد با صندوق توسعه ملی رسیده است.

اهتمام رئیس‌جمهوری به توسعه نیروگاه‌های خورشیدی و بادی برای تولید برق، همه ارکان دولت را پای کار آورد و ظرف سال ۱۴۰۴ به اندازه حداقل ۵ برابر کل ظرفیت قبلی، نیروگاه جدید احداث خواهد شد. دولت امید دارد که تا ظرف دو سال حداقل ۱۵۰۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی و بادی با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و عمومی به توان تولید برق کشور اضافه کند. بازسازی بسیاری از نیروگاه‌های موجود که گاز و آب کشور را هدر می‌دهند، نیز در دستورکار قرار گرفته است و شورای اقتصاد، طرح احداث نیروگاه‌های مشهد و منتظر قائم (فردیس کرج) را تصویب کرده است و کارهای کارشناسی برای طراحی مدل مالی برای نوسازی نیروگاه‌های تبریز و شیراز نیز انجام شده است. نیروگاه‌های جدید حداقل ۳۰ درصد گاز و ۸۰ درصد آب کمتری برای تولید برق استفاده می‌کنند.

طبعاً بیان همه اقدامات یا رویکردهای دولت موضوع این یادداشت نیست اما رئیس‌جمهور در هر پنج بار حضور خود در سازمان برنامه و بودجه کشور چند پیام مشخص برای نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی و اجرایی کشور داشتند: یکایک مدیران و کارشناسان مستقر در اتاق‌هایی که به نام دولت، اداره امور را در دست دارند باید حافظ منافع مردم باشند و مصلحت میان مدت و بلند مدت کشور را بویژه از حیث پایداری سرزمین و حفاظت از منابع آب و خاک و محیط زیست در نظر بگیرند، کار کارشناسی را ملاک قرار دهید و به درخواست افراد ذینفوذ در تصمیم‌گیری توجه نکنید، در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مراقب معیشت مردم و طبقه آسیب‌پذیر

بزرگ‌ترین مشکل کشور در حال حاضر ضعف بنیان تولیدات رقابت‌پذیر است که حل آن نیازمند وجود سرمایه و دسترسی به فن‌آوری‌های روز دنیاست. منابع داخلی کشور نسبت به نیاز ما برای سرمایه‌گذاری به گونه‌ای که اهداف برنامه هفتم پیشرفت در حوزه‌های مختلف را برآورده کند، بسیار کم است. از این رو کشور نیازمند ورود سرمایه‌های خارجی است که اقتضات خاص خود از جمله تنش‌زدایی در سطح بین‌الملل را دارد

را فراری می‌دهند و....

از جمله بازنشستگان گرمی که عمر خود را صرف توسعه کشور کرده‌اند باشید و در بودجه، پول مردم را هدر ندهید و به هر کس در دولت به اندازه کاری که می‌کند و بازدهی که برای مردم دارد، حقوق بدهید. واقعیت آن است بخش مهمی از مشکلات امروز کشور از قبیل کمبود آب و کاهش مفرط ذخایر زیرزمینی، تخریب محیط زیست، نظام اداری بزرگ با بازده اندک که موجب نارضایتی مردم نیز در پاره‌ای اوقات می‌شوند، تأسیس کارخانه‌های کم بازده در مناطق نامناسب که منابع کشور را هدر می‌دهند، انبوه طرح‌های عمرانی نیمه تمام که بخش مهمی از آنها لازم نیستند یا اولویت ندارند و کسری ساختاری بودجه، نتیجه در نظر نگرفتن همین توصیه‌های به ظاهر ساده است.

آیا وضعیت کنونی شاخص‌های اقتصادی مانند تورم و نرخ رشد اقتصادی و وضعیت رفاهی مردم پس از یکسال از عمر دولت چهاردهم مناسب است؟ قطعاً خیر. همه مردم شاهد وقایع کم سابقه امنیتی و نظامی پی در پی از آغازین روز شروع به کار رسمی رئیس‌جمهوری بوده‌اند. از ترورهای داخلی و خارجی مقامات گرفته تا هجوم نظامی و نبرد با دو قدرت اتمی. طبعاً این وقایع بیش از همه حوزه‌ها بر امور اقتصادی کشور اثرگذار هستند: انتظارات تورمی را تشدید می‌کنند، فضای کار و تولید و صادرات و واردات را به انواع عدم اطمینان‌ها مختل می‌کنند، سرمایه‌ها

اما مشکلات امروز از قبیل تورم ساختاری و فزاینده که برنامه‌ریزی برای زندگی روزمره مردم را مختل کرده است، بیکاری بویژه جوانان و زنان تحصیلکرده، ناامیدی بخشی از جمعیت جوان که خود را در شاخص‌هایی مانند مهاجرت و نرخ فرزندآوری پایین نشان می‌دهد، ناترازی آب و برق و گاز و فقدان منابع کافی برای توسعه متوازن کشور و استفاده از ظرفیت‌های کم نظیر میهن را باید در دلایل ساختاری‌تر از دوره یکساله یا چند ساله اخیر جست‌وجو کرد. برخی به ریاست محترم جمهور ایراد می‌گیرند که چرا مشکلات کشور را در محافل عمومی مرتب یادآوری می‌کنند. گویا فراموش می‌کنند که بدون همکاری و مشارکت آگاهانه مردم، حل این مسائل ناممکن است.

بزرگ‌ترین مشکل کشور در حال حاضر ضعف بنیان تولیدات رقابت‌پذیر است که حل آن نیازمند وجود سرمایه و دسترسی به فن‌آوری‌های روز دنیاست. منابع داخلی کشور نسبت به نیاز ما برای سرمایه‌گذاری به گونه‌ای که اهداف برنامه هفتم پیشرفت در حوزه‌های مختلف را برآورده کند، بسیار کم است. از این رو کشور نیازمند ورود سرمایه‌های خارجی است که اقتضات خاص خود از جمله تنش‌زدایی در سطح بین‌الملل را دارد. همچنین کشور باید جسارت کارکردن با قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و مبادله منافع عظیم را داشته باشد.

در سطح داخل نیز نظم اقتصاد سیاسی چند دهه اخیر که بر پایه توزیع رانت ارزهای نفتی و منابع معدنی و نظم دسترسی محدود مجوز محور شکل گرفته بود، قابل تداوم نیست. بخش خصوصی آماده سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مقیاس است اما تضمین‌هایی هم برای امنیت سرمایه می‌خواهد و هم تضمین دسترسی بلند مدت به منابع مورد نیاز مانند انرژی و آب و غیره. در دو دهه اخیر شعارهای توزیعی چپ جدید، منابع بنگاه‌های بزرگ کشور را تخلیه کرد و در همراهی با نظریه «گران کن - توزیع کن»، عموم مردم را روز به روز فقیرتر کرد. معیار اصلی ارزیابی عملکرد دولت چهاردهم در انتهای دوره می‌تواند تقویت بنیان تولید رقابت‌پذیر در کشور باشد و در این مسیر راه را برای شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ و تقویت بنگاه‌های بزرگ موجود هموار کند. این بنگاه‌ها زنجیره تولید را در بنگاه‌های متوسط و کوچک تقویت خواهند کرد و بدین ترتیب زنجیره‌های تولیدی که محصولات آنها قابل صادرات است و بر اساس مزیت‌های مناطق مختلف در کشور توزیع شده‌اند، شکل خواهند گرفت. این نظریه، پایه تلاش‌هایی است که در چند ماهه اخیر در سازمان برنامه و بودجه کشور برای ایجاد توازن منطقه‌ای در کشور شروع شده است و ان‌شاءالله پایه برنامه‌ریزی و اقدامات آتی خواهد بود. >



اگر
پزشکیان
نبود



برند ملی

شهرتور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژنامه